

شاخصه‌های جفت‌سازی ابنیه در محور خیابان هرات (بررسی تطبیقی نمونه‌های جفت‌سازی در خیابان هرات و مجموعه‌های معماری ماوراءالنهر در دوره تیموری)*

شاهین گرکانی دشته^I، محمد مرتضایی^{II}، محمداسماعیل اسمعیلی جلودار^{III}

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22084/nbsh.2019.20124.2014
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۲۵
نوع مقاله: پژوهشی؛ صص: ۲۱۷-۱۹۷

چکیده

جفت‌سازی دو بنا در مقابل یکدیگر و اهمیت به تزئینات سردرهای ورودی، یکی از ویژگی‌های معماری عصر تیموری است. این اهمیت به پیش‌خان‌های مزین و جفت‌سازی آن‌ها در مجموعه‌های معماری در منطقه ماوراءالنهر در دو شهر سمرقند و سبز بسیار تکرار شده است. در مقابل اما، در شهر هرات که سومین پایتخت تیموریان محسوب می‌شده، به دلیل تخریب‌های متعدد، کمترین شواهد فیزیکی از آثار معماری این‌چنینی برجای مانده است و باید اشاره کرد که محور خیابان در هرات، که کانون ساخت‌وساز در این شهر محسوب می‌شده از این قاعده مستثنی نیست؛ با این‌که در اسناد تاریخی به نمونه‌های جفت‌سازی در این محور اشاره شده، اما به‌سختی می‌توان طرح ملموسی از ویژگی‌های آن در محور خیابان هرات ارائه داد. در این مقاله، ضمن بررسی ویژگی‌های جفت‌سازی در نمونه‌های مهم معماری تیموری در منطقه ماوراءالنهر، شاخصه‌های آن‌ها را در دو دسته «مجموعه‌های شهری» و «مجموعه‌محورهای مزاری» دسته‌بندی نموده و سپس با تحلیل منابع و اسناد تاریخی، ویژگی‌های جفت‌سازی‌ها در ابنیه خیابان هرات مشخص و با نمونه‌های مشابه در ماوراءالنهر مقایسه شده است. اطلاعات این مقاله با روش‌های کتابخانه‌ای، مشاهده بصری و مقایسه یافته‌های حاصله، گردآوری شده و پژوهش با روش تطبیقی-تحلیلی صورت گرفته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که خیابان هرات در دسته مجموعه‌محورهای مزاری در معماری تیموری جای می‌گیرد، اما در مقایسه با شاخصه‌های مجموعه‌محورهای مزاری پیش از خود در این دوره حائز ویژگی‌های منحصر به فردی است. در این محور، برخلاف محورهای پیشین، کاربری‌های متنوعی علاوه بر مقابر قرار داد که سبب می‌شود تا این محور را به‌عنوان یک طرح جامع شهری که به مرور زمان شکل گرفته محسوب داریم. این مجموعه، تنها محور مزاری است که در آن چندین زیرمجموعه شهری جای گرفته‌اند. در این مجموعه‌های شهری در خیابان هرات، جفت‌سازی‌ها برخلاف مجموعه‌های شهری سمرقند به صورت محوری و نه میدانی طراحی شده است.

کلیدواژگان: جفت‌سازی، تیموریان، ماوراءالنهر، هرات، خیابان هرات.

I. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
II. دانشیار گروه باستان‌شناسی دوران اسلامی، پژوهشکده باستان‌شناسی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری تهران، ایران (نویسنده مسئول).
m_mortezayi2008@yahoo.com
III. استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

* این مقاله مستخرج از رساله دکتری تحت‌عنوان «بررسی تحولات ساختاری و ریخت‌شناسی میدان و خیابان به همراه مطالعه تأثیرات آن بر نام‌سازی و بدنه‌سازی شهری در ایران؛ از ایلغار مغول تا آغاز استیلای خاندان صفوی»، «شاهین گرکانی دشته» با راهنمایی: «محمد مرتضایی» و مشاوره «محمداسماعیل اسمعیلی جلودار» در حال انجام است.

مقدمه

ساخت سردر یا پیش‌خان در جلوی نمای اصلی، یکی از ویژگی‌های معماری تیموری است. سردر، عنصری پیشاتیموری است که در این زمان به چهره عمومی در بناهای مدارس و ساختمان‌های مشابه آن عصر تبدیل شده است. توجه به سردر یا پیش‌خان و پرداختن به تزئین آن از علاقه مفراط معماری تیموری به تزئینات نما سرچشمه می‌گیرد. تزئینات تا اندازه‌ای مورد توجه بوده که اگر بانی، منابع کافی را برای تزئین کلیت سطوح داخلی و خارجی در اختیار نداشته، تنها به تزئین نمای خارجی رضایت می‌داده و حتی اگر در همان حدود نیز دارای استطاعت مالی نبوده، به تزئین پیش‌خان ورودی بنا بسنده می‌کرده است (گلمبک و ویلبر، ۱۳۷۴: ۱۶۱ و ۱۶۲). هم‌زمان با توجه به ساخت پیش‌خان برای ابنیه، جفت‌سازی دو بنا در روبه‌روی یکدیگر در امتداد یک محور و یا در میان یک محوطه نیز از ویژگی‌های دیگر معماری این عصر به حساب می‌آید. این جفت‌سازی که شامل قرارگیری پیش‌تاق‌های بلند دو بنا در برابر هم بوده است، در اصطلاح معماری این دوره، «قاش» یا «قاچ» نامیده می‌شد (پوگانکووا، ۱۳۸۷: ۹۰). قاش، یک نوع ترکیب معماری است میان دو یا سه بنا به صورتی که نماهای اصلی آن‌ها در مقابل یکدیگر قرار گیرند. این ابنیه معمولاً در یک محوطه یا در امتداد یک مسیر قرار داشته؛ به نوعی که گاهی باهم تشکیل یک میدان کوچک را می‌دادند (Paskalevna, 2012: 87). از آثار برجای مانده تیموریان در شهرهای ماوراءالنهر به طور کامل می‌توان حالت‌های مختلفی از جفت‌سازی ابنیه را که در مجموعه‌های مختلف و محورهای مهم شهری اجرا شده‌اند، پیگیری نمود که نمونه بارز آن‌را می‌توان در شهرهای سمرقند، شهرسبز و بخارا نشان داد؛ اما در مقایسه با این نمونه‌ها، در شهر هرات، پایتخت مهم و برجسته آنان در منطقه خراسان، نشانه‌های بسیار اندکی از اجرای این شیوه به دست آمده است. با این‌که هرات مرکز اصلی ساخت و ساز در بیشتر عمر دوره تیموری محسوب می‌شده، اما آثاری که از این شهر و محور خیابان برجای مانده از تعداد انگشتان یک دست نیز کمتر است و نمی‌توانند به تنهایی حکایت‌گر شیوه معماری تیموریان در این منطقه باشند.

این پژوهش در پی آن است که ضمن بررسی نمونه‌های جفت‌سازی ابنیه در منطقه ماوراءالنهر، ویژگی‌های آن‌ها را دسته‌بندی نماید؛ سپس با اتکا به تحلیل مستندات تاریخی، نحوه استقرار ابنیه و جفت‌سازی‌های انجام‌شده در طول محور خیابان هرات را مشخص و با تحلیل ویژگی‌های آن‌ها، این ویژگی‌ها را با شاخصه‌های ابنیه ماوراءالنهر مطابقت دهد.

پرسش‌های پژوهش: مهم‌ترین پرسش‌های پژوهش حاضر عبارتند از: ویژگی‌های جفت‌سازی در مجموعه‌های معماری تیموری در منطقه ماوراءالنهر چگونه بوده و چه طور می‌توان آن‌ها را دسته‌بندی نمود؟ هم‌چنین، نظام قرارگیری ابنیه و در پی آن نمونه‌های جفت‌سازی در طول محور خیابان هرات در دوره تیموری به چه صورت بوده و دارای چه ویژگی‌هایی است؟ و در آخر، جفت‌سازی‌های انجام‌شده در طول محور خیابان هرات چه وجوه اشتراک و افتراقی با جفت‌سازی‌ها در مجموعه‌های معماری ماوراءالنهر دارد؟

روش پژوهش: داده‌های این پژوهش با روش‌های اسنادی، مشاهده بصری و مقایسه یافته‌های حاصله گردآوری شده و سپس با انجام مطالعات تطبیقی با در نظر گرفتن شباهت‌ها و تفاوت‌های جفت‌سازی در دو منطقه ماوراءالنهر و خیابان هرات، دسته‌بندی و با یکدیگر تطبیق داده شده است.

پیشینه پژوهش

در ارتباط با ابنیه خیابان هرات و نحوه استقرار آن‌ها «فکری سلجوقی» (سلجوقی، ۱۳۴۳؛ ۱۳۸۶) با اتکا به اسناد تاریخی و هم‌چنین نقل‌قول‌های اهالی هرات، جایگاه ابنیه را در محور خیابان مشخص نموده است. در تحقیق او اشاره مشخصی به جفت‌سازی در طول این محور نشده است. «تری آلن» تحولات معماری و شهرسازی را در هرات دوره تیموری مورد بررسی قرار داده است. در طرح ارائه شده از او، اشاره مشخصی به جفت‌سازی‌ها در طول خیابان هرات به چشم نمی‌خورد (Allen, 1983). «محسن صابرهروی» با استناد به اسناد تاریخی و اقوال معمرین هراتی، طرحی از باغ‌های هرات ارائه داده است (صابرهروی، ۱۳۸۶). «لیزا گلمبک» در دو اثر ضمن بررسی بنای مسجد جامع هرات و مجموعه گازرگاه، اشاره‌هایی نیز به نحوه استقرار و پیشینه ابنیه شهر هرات داشته است (Golombek, 1969; Golombek, 1983). «اوا سابتلنی» به طور مشخص به مجموعه اخلاصیه هرات پرداخته و ضمن تحلیل نظام کارکردی آن، به جای‌نمایی ابنیه مجموعه پرداخته است (Subtelny, 1991). در حوزه مطالعات معماری تیموریان در منطقه ماوراءالنهر، «گالینا پوگاچنکووا» مجموعه‌های شاخص این منطقه را بررسی کرده و ویژگی‌های جفت‌سازی آن‌ها را مورد توجه قرار داده است (پوگاچنکووا، ۱۳۸۷). او در مقاله دیگر، مجموعه دارالسیاده را در شهر سبز مورد بررسی قرار داده و به امکانات جفت‌سازی در این محور نیز اشاره کرده است (Masson & Pugachenkova, 1981). «النا پاسکالونا» قاش‌سازی معماری تیموری در منطقه ماوراءالنهر را به طور ویژه مورد مطالعه قرار داده است (Paskalevna, 2012). به غیر از پژوهش‌های امروزی، اکثر اطلاعات در مورد خیابان هرات و مجموعه‌های ماوراءالنهر در عصر تیموری را می‌توان از اسناد و کتب تاریخی استخراج نمود. «غیاث‌الدین خواندمیر» از مورخان اواخر عصر تیموری در آثار خود اطلاعات ارزشمندی در مورد استقرار ابنیه در طول خیابان هرات ارائه داده است (خواندمیر، ۱۳۷۲؛ ۱۳۸۸) کتاب‌های تذکره نیز در مورد قبور و جایگاه‌های ابنیه، اطلاعات ارزشمندی در بردارند؛ در مورد شهر هرات «عبدالله واعظ» (واعظ، ۱۳۸۶) و «علی شیرنوبی» (شیرنوبی، ۱۳۲۳) در مواردی به جایگاه‌های ابنیه در محور خیابان هرات اشاره کرده‌اند و هم‌چنین «ابوطاهر سمرقندی» (سمرقندی، ۱۳۶۷) و «ملیحای سمرقندی» (سمرقندی، ۱۳۹۰) به جایگاه ابنیه در منطقه ماوراءالنهر اشاره داشته‌اند.

بررسی نمونه‌ها و ویژگی‌های جفت‌سازی ابنیه تیموری در ماوراءالنهر

سمرقند و شهر سبز در منطقه ماوراءالنهر از مهم‌ترین شهرهای عصر تیموری به حساب می‌آمدند. در دوره حکومت «تیمور» (۷۷۱ تا ۸۰۷ ه.ق. .) در سمرقند و هم در طی دوره حکومت نوه‌اش، «الغیبگ» (۸۱۱ تا ۸۵۳ ه.ق. .) می‌توان چندین نمونه جفت‌سازی

میان ابنیه مختلف را مشاهده نمود. ویژگی‌های جفت‌سازی در مجموعه‌های معماری ماوراءالنهر را می‌توان در دو دسته «مجموعه‌های معماری سمرقند» و «مجموعه‌های معماری خارج از سمرقند» بررسی نمود.

الف) مجموعه‌های معماری سمرقند

۱- **مجموعه بی‌بی‌خانم و سرای ملک‌خانم (مجموعه دروازه فولاد):** این مجموعه شامل یک محوطه شهری است که تیمور در سمرقند احداث کرده است. کلیت مجموعه شامل محوطه‌ای بوده که در دوسوی آن، دروازه فولاد (یکی از دروازه‌های سمرقند) و دروازه ورودی بازار سمرقند؛ و در دوسوی دیگر، مسجد بی‌بی‌خانم و مدرسه سرای ملک‌خانم در روبه‌روی هم قرار می‌گرفته‌اند (Paskalevna, 2012: 85). با این‌که محوطه مجموعه دارای شکل هندسی منظمی نبوده (هیلن براند، ۱۳۸۷: ۶۷)، اما کلیت طرح آن، شامل یک محوطه پیش‌خان شهری بوده که تیمور از آن به‌عنوان پیش‌فضای ورودی به بازار سمرقند استفاده کرده است. «شرف‌الدین یزدی» (قرن نهم هجری قمری) درباره قاش‌سازی در این مجموعه گفته است: «[...] و مدرسه سرای ملک‌خانم که در مقابل جامع واقع است» (یزدی، ۱۳۸۷: ۱۲۵۵) و یا «ملیحای سمرقندی» (قرن یازدهم هجری قمری) در ماجرای تخریب مدرسه به فرمان «عبدالله شیبانی» گفته است: «از جمله کرده‌های عبدالله‌خان در سمرقند مدرسه بی‌بی‌خانم [مدرسه سرای ملک‌خانم] است که در مقابل مسجد جامع امیر تیمور [مسجد بی‌بی‌خانم] کرده است، به نوعی ویران کرده که جز گنبد گورخانه خانم اثری باقی نمانده است.» (سمرقندی، ۱۳۹۰: ۵۲۵). مجموعه دروازه فولاد سمرقند در داخل شهر سمرقند در فضایی محدود احداث شده است و شاخص‌ترین نمونه جفت‌سازی در آن، میان یک مسجد و مدرسه است.

۲- **گور میر: «سلطان محمد»**، نوه تیمور، در سمرقند مجموعه‌ای ساخته که در اصل دارای کاربری خدماتی-مذهبی بوده است. تیمور بعد از مرگ نوه‌اش، او را در این مجموعه دفن می‌کند. پس از مرگ تیمور، این مجموعه تبدیل به مقبره خانوادگی تیموریان می‌گردد. مجموعه شامل مقبره، خانقاه و مدرسه بوده که در حول یک محوطه مربع‌شکل احداث شده است و تیمور برای ایجاد گشایش در فضای اطراف آن، ابنیه کناری‌اش را تخریب کرده است (سمرقندی، ۱۳۶۷: ۱۷۴). «عبدالرزاق سمرقندی» (قرن نهم هجری قمری) گفته است: «در پیشگاه خانقاه که متصل به مدرسه‌ای است که [...] شاهزاده [محمدسلطان] اختراع نموده در پیشان صفت جنوبی گنبدی [...] برافراختند.» (سمرقندی، ۱۳۷۲: ۱۰۱۷) و شرف‌الدین یزدی ذکر کرده: «و فرمان شد که متصل به مدرسه‌ای که [سلطان محمد] انشاء کرده، گنبدی جهت مرقد منورش بسازند [...] در پیشگاه ساحت خانقاه، متصل به صفت جنوبی، قبه‌ای [...] برافراختند» (یزدی، ۱۳۸۷: ۱۲۵۴). مجموعه گور تیمور، نماینده قدیمی‌ترین طرح‌ریزی مجموعه‌ای است که در ادوار بعد مورد توجه عام قرار گرفت. در این مجموعه، دو بنای مدرسه و خانقاه در دو ضلع متقابل صحن، روبه‌روی هم قرار گرفته‌اند. در واقع قرارگیری مدرسه و خانقاه در روبه‌روی هم یکی از موارد پرکاربرد در دوره تیموری است (گلمبک و ویلبر، ۱۳۷۴: ۸۴).

۳- **مجموعه ریگستان:** میدان ریگستان در مرکز شهر سمرقند احداث شده است. با

این‌که شکل امروزی مجموعه متعلق به دوره اشترخانیان ازبک است، اما اسناد تاریخی از وجود جفت‌سازی در پیش از این زمان حکایت دارند. مجموعه ریگستان پیش از تخریب و بازسازی توسط ازبکان، محوطه‌ای بوده است شامل چهار بنای خانقاه و مدرسه الغ بیگ، مسجد کولتاش و کاروانسرای میرزایی که در حول یک محوطه بسته شهری قرار می‌گرفته‌اند (هیلن براند، ۱۳۸۷: ۷۳). «فصیح خوافی» (قرن نهم هجری قمری) گفته است: «بنیاد عمارت که [...] الغ بیگ در درون شهر سمرقند بنا فرموده، از مدرسه و خانقاه در محاذی [مقابل] یکدیگر» (خوافی، ۱۳۸۶: ۱۰۹۶). و یا «حافظ ابرو» (قرن هشتم و نهم هجری قمری) می‌گوید: «[الغ بیگ] در درون شهر سمرقند در موضعی که سردوانیک گویند [...] مدرسه و خانقاهی برابر یکدیگر بنا فرمود» (حافظ ابرو، ۱۳۹۵: ۷۰۶). در این مجموعه نیز جفت‌سازی میان دو بنای مدرسه و خانقاه در محور یک مجموعه شهری به چشم می‌خورد (هیلن براند، ۱۳۸۷: ۶۷).

۴- مجموعه شاه‌زنده: در زمان تیمور و الغ بیگ در منطقه افراسیاب، خارج از سمرقند تیموری، خیابان مزاری احداث می‌گردد که مشابهت بسیاری با خیابان هرات دارد؛ در واقع، این‌گونه انتظام مقابر در حدفاصل یک مسیر را می‌توان از گونه‌های پرتکرار معماری و شهرسازی عهد تیموری به حساب آورد. این مجموعه که به شاه‌زنده مشهور است، ارسنی است از مقابر شاهزادگان تیموری که در دو طرف یک مسیر جای‌گرفته‌اند و در انتهای مسیر نیز مقبره «قثم ابن عباس» قرار دارد (Baskan, 2007). با این‌که مجموعه یاد شده مشتمل بر قرارگیری مقابر در امتداد یک راه است، اما اصل قاش‌سازی تنها در چند قسمت این مسیر صورت گرفته است. «ابوطاهر سمرقندی» (قرن سیزدهم هجری قمری) که به سال ۱۲۵۱ ه.ق. از مجموعه دیدن کرده، در این باره چنین گفته است: «دو گنبد به طرف غربی راه و دو گنبد به طرف شرقی راه افتاده است. آن دو گنبد غربی که متصل هم‌دیگر است، یکی دخمه امیرزاده است. تاریخ اتمام آن سنه ۷۹۹ نوشته‌اند [...] و دیگر دخمه ترکان آغا است [...] و تاریخ اتمام سنه ۷۷۳ بوده است. [...] و آن دو گنبد که در طرف غربی مزار افتاده است، یکی روبه‌روی گنبد ترکان آغا است و آن دخمه شیرین بیگ آغا است. [...] تاریخ اتمام آن گنبد سنه ۷۸۷ بوده است. [...] دیگر دخمه امیرحسین است که روبه‌روی گنبد امیرزاده افتاده است. تاریخ اتمام آن سنه ۷۷۷ است» (سمرقندی، ۱۳۶۷: ۱۶۶).

در مجموعه شاه‌زنده در دوره تیموری جفت‌سازی تنها میان این چهار مقبره صورت‌گرفته و سایر مقابر عهد تیموری در قسمت‌های دیگر مسیر و با فاصله احداث شده‌اند (گلمبک و ویلبر، ۱۳۷۴: ۳۱۰-۳۱۲).

۵- مجموعه روح‌آباد: در نزدیکی گورمیر دو مقبره قدیمی در دوسوی یک مسیر قرار داشته‌اند. مقبره اول موسوم به «قطب چهاردهم» و مقبره دیگر، مدفن «برهان‌الدین ساغرچی» معروف به «روح‌آباد» است؛ اگرچه این دو بنا مانند ردیف مقابر شاه‌زنده و دارالسیاده به صورت یک مجموعه محورمزاری احداث نشده‌اند، اما به دلیل جفت‌سازی میان دو مقبره، می‌توان آن‌ها را گونه‌ای از مجموعه مقابر دوره تیموری به حساب آورد (هادی‌زاده، ۱۳۸۱: ۲۸۲-۳۰۸).

ب) مجموعه‌های معماری خارج از سمرقند

۱- **مجموعه دارالسیاده و دارالتلاوه:** این مجموعه گورستانی برخلاف محورهای مزاری دیگر در داخل شهر سبز واقع شده است. دارالسیاده و دارالتلاوه مشتمل بوده بر خیابان مزاری که در دو سمت آن مقابر امرای تیموری قرار می‌گرفته‌اند. انتهای مسیر این گورستان نیز به بنایی منتهی می‌شده به نام «دارالسیاده» که مدفن دو تن از پسران تیمور است. با این‌که اسناد تاریخی از استقرار مقابر در دوسوی مسیر حکایت دارند، اما بیان روشنی از چگونگی این استقرار ارائه نمی‌دهند و اثبات این جایگاه‌ها مستلزم کاوش‌های باستان‌شناسی است (Masson & Pugachenkova, 1981: 129-133).

۲- **گورستان پخت‌آباد:** این گورستان که در فرغانه قرار دارد، گونه مشابهی است با مجموعه‌های دارالسیاده و شاه‌زنده. پخت‌آباد، خیابان-مزاری است در خارج از شهر مشتمل بر درآیگاه و مزاراتی در دو طرف یک راه که از میان همه آنها تنها یک مزار باقی مانده که معروف به پادشاه پیران است. این مقبره به صورت قرینه در دو طرف انتهای راه واقع شده و گویا مانند مقبره دارالسیاده مقصد نهایی مسیر بوده است. «گلمبک» و «ویلبر» از نظر استقرار مقابر در دو سمت راه و نحوه شکل‌گیری، این مجموعه را مشابه با شاه‌زنده می‌دانند (گلمبک و ویلبر، ۱۳۷۴: ۳۰۸).

۳- **مدرس و حمام الغ‌بیگ در بخارا:** مدرسه الغ‌بیگ در مرکز شهر بخارا قرار دارد. در مقابل این مدرسه در عهد ازبکان، مدرسه عبدالعزیزخان به شیوه قاش اجرا شده است. اما براساس یکی از اسناد وقفی متعلق به مدرسه میربرندق مربوط به سال‌های پایانی عهد تیموری، مشخص می‌شود که در زمان تیموری در مقابل مدرسه الغ‌بیگ یک حمام قرار داشته است. این حمام که جزئی از وقفیات مدرسه میربرندق است، درست در مقابل مدرسه الغ‌بیگ واقع بوده است. از حالت کنونی محوطه، می‌توان تصور کرد که پیش‌خان مدرسه با درآیگاه حمام صورت جفت داشته‌اند (Somarkandie, 1974: 246).

خیابان هرات

شهر هرات در ابتدای استیلای مغولان بر خاک ایران به عنوان مرکز ایالت خراسان مطرح گردیده است. در این زمان است که ایلخانان حکومت خراسان را به یکی از خاندان‌های کهن این سامان، یعنی «آل‌کرت» می‌سپارند (۶۴۳ تا ۷۸۳ ه.ق.). پس از دستیابی تیمور به سرتاسر خاک ایران، حکومت هرات به «امیرانشاه» و سپس «شاهرخ»، از پسران تیمور واگذار شده است. با مرگ تیمور اما، شاهرخ به عنوان جانشین پدرش، پایتخت امپراتوری را از شهر سمرقند به شهر هرات تغییر داده است. از این زمان (۸۰۷ ه.ق.) تا پایان عمر این امپراتوری (۹۱۳ ه.ق.)، نزدیک به یک قرن، هرات شهر مرکزی این دولت محسوب می‌گردد (طیبی، ۱۳۶۸: ۲۰-۴۰).

نام «خیابان هرات» در اصل متعلق به منطقه یا بلوکی بوده است که در جانب شمالی شهر قرار داشته است. هرات نیز در جانب جنوبی خیابان در میان بلوکی با نام «انجیل» قرار می‌گرفته است. حافظ ابرو، این دو بلوک را این‌چنین معرفی کرده است: «بلوک

انجیل بر شمال رود [هری‌رود] است و شهر هرات داخل این بلوک است. [...] بلوک خیابان بر شمال رود است و بر شمال شهر نیز، متصل بلوک انجیل است بر شمال انجیل» (حافظ ابرو، ۱۳۴۹: ۱۸-۲۱). نهر انجیل به همراه جوی نو، دو آب‌راه دست‌ساز بوده‌اند که در شمال هرات از سمت شرق به غرب جریان داشته و آب مزارع و باغات حومه شمالی را تأمین می‌کردند. بلوک خیابان از ابتدای حد شمالی جوی انجیل آغاز می‌شده و تا حدود شمالی جوی نو که به موازات انجیل جریان داشته می‌رسیده است. در میان این بلوک، گذرگاهی شمالی-جنوبی قرار داشته، که در عین ایجاد دسترسی به شهر، مکانی برای دفن مردگان در دوسوی آن به حساب می‌آمده است (Allen, 1983: 12؛ گلمبک و ویلیز، ۱۳۷۴: ۵۸-۵۹). حافظ ابرو گفته است: «مقابر اهل شهر در این مزرعه خیابان است و مزارات بزرگان در این گورستان بسیار است» (همان: ۲۱)؛ هم‌چنین می‌خواند (قرن نهم هجری قمری)، چنین گفته است: «مزارات اکابر و مشایخ و علما و صلحا در آن [...] بسیار است و حظایر و بقاع در یمین و یسار آن بی‌شمار» (می‌خواند، ۱۳۸۵: ۵۱۹). گورستان خیابان با این‌که در حدود بلوک خیابان در امتداد گذرگاهی در مرکز این بلوک واقع بوده؛ اما گستره آن به همین ناحیه محدود نمی‌شده است. این گورستان از سمت جنوب‌اش، یعنی پل جوی انجیل، وارد بلوک انجیل می‌شده و تا دروازه‌ای که در قسمت شمال‌غربی شهر با نام «ملک» قرار داشته، امتداد می‌یافته است (سلجوقی، ۱۳۴۳: ۲). قدمت ساخت گورستان در خیابان هرات به قرن پنجم هجری قمری بازمی‌گردد. چنان‌که «خواجه عبدالله انصاری» (قرن پنجم هجری قمری) درباره این گورستان گفته است: «لیث پوشنجه [...] گفت: از پوشنگ بیامدم به هرات [...] به خدایان می‌گذشتم بر گورستان، زنی بر گوری نشسته بود» (انصاری، ۱۳۸۶: ۵۲۲). «خدایان» تلفظ کهن‌تر نام بلوک خیابان در آن زمان بوده، چنان‌چه «سیفی هروی» (قرن هشتم هجری قمری) هنگامی که در عهد آل‌کرت از گورستان خیابان نام آورده، آن‌را به صورت «خیادوان» خوانده است: «در مزارات و مقابر چون گازرگاه و خیادوان و مسرق و [...] ختم قرآن فرمود» (سیفی هروی، ۱۳۸۵: ۴۶۲).

حضور گذر گورستان خیابان در زمان تیموریان و به‌خصوص در دورانی که هرات نقش پایتخت این امپراتوری را بر عهده گرفت، بسیار پررنگ شده است. حکام، اشراف و شاهزادگان وابسته به دربار، به تاسی از خیابان مزارهایی که تا پیش از این در ماوراءالنهر احداث گردیده بود؛ مقابر و ابنیه مذهبی در دوسوی این گذرگاه احداث کرده‌اند (پوگاچنکووا، ۱۳۸۷: ۲۴). در واقع ساخت‌وسازها در طول محور خیابان هرات، با ساخت مجموعه گوهرشاد، همسر شاهرخ، در جنوب پل انجیل آغاز (گلمبک و ویلیز، ۱۳۷۴: ۵۷) و بعد از آن است که سایر اشراف تیموری در کناره‌های این گذرگاه کهن‌سال ابنیه دیگری احداث کرده‌اند.

در اواخر عهد تیموری، در دوره «حسین بایقرا»، گورستان خیابان هرات از شکل یک محور گورستانی خارج از شهر به صورت یک محور شهری تغییر وضعیت داده است. به‌صورتی‌که در دوسوی آن مقابر، مدارس و خانقاه‌ها جای‌گرفته‌اند. اسفزاری (قرن نهم و دهم هجری قمری) گفته است: «از مواضع میمون [...] خیابان هرات است که به لطافت هوا و عجایب حظایر و غرایب ممتاز است و در بزرگی مزارات و لطایف عمارات

و مقابر و بقاع متبرکه که در یمین و یسار آن واقع است از شرح و بیان بی‌نیاز است» (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۸۶).

جفت‌سازی در محور خیابان هرات

از ابنیه خیابان هرات در مقایسه با سایر محورهای مزاری تیموری کمترین شواهد فیزیکی برجای مانده است؛ به صورتی که برای اطلاع یافتن دقیق از نحوه استقرار ابنیه در امتداد خیابان، نیاز به انجام کاوش‌های باستان‌شناسی است. این کاوش‌ها نیز به دلیل فراهم نبودن شرایط مناسب برای کار میدانی و همچنین قرارگیری منطقه تاریخی هرات در دل شهر امروزی، به طور کامل امکان‌پذیر نیست. به این ترتیب، تنها منابعی که می‌توانند در مورد جای‌نمایی ابنیه در طول محور خیابان مورد کاربرد باشند، اسناد تاریخی است که از ساخت‌وسازها در این عصر حکایت دارند. برای به دست آوردن یک حدود فرضی از نحوه استقرارها در طول محور خیابان، می‌توان با مقایسه چند گزارش تاریخی با یکدیگر و نیز مقایسه با شکل جغرافیای امروزی خیابان و با مطالعه معدود آثار تاریخی برجای مانده، تا حدودی به موقعیت بناها دست یافت.

یکی از مهم‌ترین گزارش‌هایی که درباره خیابان هرات آمده، گزارش خواندمیر (قرن دهم هجری قمری)، در رساله خلاصه‌الاجبار است. او در این گزارش، ابنیه خیابان را به ترتیب از ابتدای آن، یعنی دروازه ملک تا عیدگاه هرات ذکر کرده است. یکی از نقایص این گزارش، آن است که خواندمیر تنها به ذکر نام ابنیه بسنده کرده و جز تعداد اندکی، محل قرارگیری درست بناها را در دوسوی خیابان روشن نساخته است. همین‌طور حدود جای‌نمایی او بسیار کلی و مبهم است؛ مانند: «کنار مسجد»، «نزدیک پل جوی نو» یا «سر خیابان». با این همه، این گزارش را می‌توان به عنوان نمونه مرجع برای بازشناسی جایگاه ابنیه در خیابان و سپس مشخص نمودن جفت‌سازی‌های انجام شده در امتداد آن مورد استناد قرار داد.

خواندمیر گزارش‌اش را بدون مقدمه و با ذکر نام ابنیه ابتدای خیابان این‌گونه آغاز کرده است: «مسجد بازارچه شیخ چاووش [...] خانقاه شیخ چاووش، مدرسه سبز برامان، مسجد فیروزشاه [...] دارالشفاء صاحبقران [حسین باقر] لنگر شیخ محیی [...] دارالشفاء [شاهرخ]، عمارت سرمزار مصرخ [...] مدرسه مه‌علیا ملکت آغا، گنبد سرمزار چهل‌گزی [...] مسجد چهارسوق علاءالدوله [...] مدرسه و خانقاه فیروزشاه: در برابر هم ساخته شده و اگرچه خانقاه از حلیه زیب و زینت عاری است، اما مدرسه در غایت تکلف است» (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۹۴).

بر این اساس، اولین نمونه قاش‌سازی در طول محور خیابان میان مدرسه و خانقاه فیروزشاه انجام شده است. این همان فرمی است که تا پیش از این در معماری تیموری به طور مکرر دیده شده است. در مورد این دو بنا خواندمیر در مآثر الملوک گفته است: «امیر جلال‌الدین فیروزشاه نزدیک به مدرسه گوهرشاد مدرسه‌ای به تکلف و خانقاهی بنا فرمود و در جنب خانقاه حمامی ساخت» (همان: ۱۶۸). همین‌طور «عبدالرزاق سمرقندی» گفته است که «فیروزشاه» بعد از مرگ «در گنبد مدرسه‌ای که معمار عالی او در راه خیابان نزدیک پل انجیل ساخته بود مدفون شد» (سمرقندی، ۱۳۷۲: ۵۶۷). این مجموعه در

ابتدای خیابان مشتمل بوده بر خانقاه و مدرسه در روبه‌روی هم و حمامی در کنار خانقاه و گور فیروزشاه که در زیر گنبدخانه مدرسه قرار داشته است.

خواندمیر در ادامه گفته است: «مسجد جامع [...] گوهرشاد [...] و مدرسه مه‌علیا [گوهرشاد]» (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۹۴). براساس بقایای برجای مانده از این دو بنا، می‌دانیم که در کنار هم، در سمت غربی راه خیابان واقع بوده‌اند (گلمبک و ویلبر، ۱۳۷۴: ۴۱۸)؛ اما چرا گوهرشاد این دو بنا را مانند مجموعه فیروزشاه در مقابل هم احداث نکرد؟ بر طبق گزارشی که «عبدالله واعظ» (قرن نهم هجری قمری)، آورده است؛ در مقابل مدرسه گوهرشاد حظیره‌ای قرار داشته معروف به «حظیره سعد»، [...] در خیابان در حظیره سعد [...] محاذی مدرسه گوهرشاد [...] مدفون است» (واعظ، ۱۳۸۶: ۴۸). احترام به مزارات بزرگان دینی در دوره تیموری حائز اهمیت بوده و گوهرشاد نیز احتمالاً به صورت عمدی، مجموعه‌اش را در مقابل این حظیره ساخته است. ساختمان حظیره‌ها برخلاف مقبره‌دارای گورخانه نبوده و فقط دارای یک درآیگاه، محوطه و احتمالاً یک نمازخانه کوچک بوده‌اند (Allen, 1983: 25). براساس گزارش‌های متعدد از این دوره، این طور به نظر می‌آید که اشراف تیموری برای دستیابی به ثواب اخروی، برای گورهای بزرگان شهر هرات اقدام به ساخت درآیگاه و در معدودی از نمونه‌ها، مقبره کرده‌اند؛ به عنوان مثال، ساخت درآیگاه و مقبره برای «حظیره فخررازی» توسط شاهرخ (همان: ۱۸)، ساخت ایوان و مدرسه برای «حظیره سعد کاشغری» توسط «علیشیرنویسی» (همان: ۲۷)، ساخت عمارت و ایوان برای مزار «زین‌الدین خوافی» توسط «غیاث‌الدین پیراحمد» (سلجوقی، ۱۳۴۳: ۸۱)، ساخت مقبره و درآیگاه برای «خواجه چهل‌گزی» توسط علیشیرنویسی (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۹۴)، ساخت عمارت برای «حظیره ابوالولید» توسط علیشیرنویسی (سلجوقی، ۱۳۸۶: ۴۹۳). درواقع ساخت درآیگاه برای مزار، یک پیش‌خان یا ورودی واقعی به حساب نمی‌آمده و بیشتر نمادی بوده از مرد مقدسی که در پس آن مدفون است و به این پیش‌خان به عنوان نظرگاه لطف الهی نگریسته می‌شده است (گلمبک و ویلبر، ۱۳۷۴: ۲۷۹). این‌گونه می‌توان احتمال داد که گوهرشاد به منظور تکمیل نمای مجموعه‌اش، پیش‌خانی به صورت جفت در مقابل مدرسه‌ای که قرار بود در آن مدفون شود احداث کرده است.

خواندمیر در ادامه آورده است: «ازجمله [...] مدرسه و خانقاهی است که [...] [معماران حسین میرزا] در سر پل انجیل پرداخته‌اند [...] و در مدرسه غربی، سلطان شرقی انتساب [...] جهت مقبره همایون به ترتیب گنبدی [...] اشارت فرموده‌اند» (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۹۵).

مدرسه حسین میرزا بایقرا نیز مانند مجموعه گوهرشاد از معدود آثار خیابان هرات است که بقایای آن برجای مانده است. این مدرسه در کنار نهر انجیل و در شمال مدرسه گوهرشاد واقع بوده است. خواندمیر در گزارش‌اش به جفت بودن مدرسه و خانقاه اشاره ننموده است؛ تنها در مآثرالملوک اضافه کرده است که «جوی انجیل از میان این دو عمارت می‌گذرد» (همان: ۱۷۴). جوی انجیل مسیری شرقی-غربی داشته و خیابان را قطع می‌کرده و احتمال دارد که این دو بنا مانند ابنیه مجموعه گوهرشاد در امتداد یکدیگر واقع بوده باشند. اما در همین گزارش خواندمیر مدرسه را با صفت غربی خوانده است و این‌گونه می‌رساند که مدرسه نسبت به خانقاه در غرب خیابان قرار داشته است.

«واصفی هروی» (قرن دهم هجری قمری) اما در شرحی که از فتح هرات به دست صفویان آورده است؛ در مورد این مجموعه گفته: «از بالای مسجد [...] قزلباشان اشرفی بر سر مردم می ریختند [...] یاری پیدا شد و ما را از آنجا بیرون برد [...] به پیش مدرسه و خانقاه سلطان حسین میرزا رسیدیم» (واصفی هروی، ۱۳۴۹: ۲۴۹-۲۵۰). اگر بپذیریم که جوی انجیل از میان دو بنا می گذشته و مدرسه در جنوب جوی و خانقاه در شمال آن قرار داشته اند، واصفی نمی توانسته بگوید که هم زمان در مقابل دو بنا قرار گرفته، مگر این که دو بنا جفت یکدیگر در دو طرف خیابان قرار گرفته باشند. احتمال می رود که منظور خواندمیر از آب جوی، شاخه ای از انجیل بوده که از قدیم الایام از همین حدود خیابان وارد بلوک انجیل می شده است. چنان چه حافظ ابرو در شرح محاصره هرات توسط تیمور ذکر کرده است که قوای تیمور از جایی وارد شهر شدند که آب انجیل به داخل این بلوک جاری می شده است و نقطه مورد نظر در محل باغ مرغنی است که بعدها مجتمع اخلاصیه بر روی آن در کنار مجتمع حسین میرزا احداث شده است (حافظ ابرو، ۱۹۵۸: ۶۴). از طرفی، تری آلن هم که هرات را از نظر تاریخی بررسی کرده جایگاه این دو بنا را در روبه روی هم تأیید نموده است (Allen, 1983: 26). خواندمیر در تکمیل شرح مجموعه حسین میرزا آورده است: «قریب به این بقاع حمامی [...] و کاروانسرای دلگشای عمارت فرموده اند» (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۷۵)؛ پس حسین میرزا نیز مانند فیروزشاه، مجموعه ای شامل: مدرسه، خانقاه، حمام و کاروانسرا در خیابان احداث کرده که در آن میان، مدرسه و خانقاه در مقابل هم قرار داشته اند.

سپس، خواندمیر به مجموعه ای می رسد که امیر علی شیر نوایی وزیر سلطان حسین در خیابان ساخته است.

«دیگر از ابنیه [...] مسجد جامعی است که [علی شیر نوایی] محاذی منزل شریف خویش ساخته اند [...] و در شمال این بقعه دارالحفاظی در کمال زیب [...] اتمام یافته [...] در جانب جنوبی این مسجد، دارالشفائی [...] ساخته است [...] از جمله عمارات [علی شیر نوایی] خانقاه اخلاصیه و مدرسه اخلاصیه است که قریب به دارالشفاء مذکور بنا کرده اند [...] و [...] آب [...] انجیل که در میان آن ها جریان دارد» (همان: ۱۹۵).

از این شرح، تنها می توان حدودی کلی از جای نمایی ابنیه به دست آورد. خواندمیر در کتاب دیگری حدود قرارگیری ابنیه را این گونه آورده است: «مدرسه اخلاصیه در کنار نهر انجیل [...] ساخته شده [...] خانقاه اخلاصیه در محاذی مدرسه مذکور [...] تعمیر یافته [...] شفائییه در جانب غربی مدرسه مذکور [...] تعمیر یافته [...] حمامی در محاذی شفائییه ساخته اند [...] در درون باغ مرغنی مسجدی [...] ساخته» (خواندمیر، ۱۳۸۸: ۶۳-۹۶).

امیر علی شیر نوایی (قرن نهم هجری قمری) نیز در وقف نامه مجموعه، جای نمایی آن را این گونه بازگو کرده است: «کوشک مرغاب در میانه حد جنوبی این باغچه [باغ مرغنی] واقع بود [...] آن را با خاک یکسان کرده و به جای آن مدرسه و مسجدی بنا نهادیم و در طرف شمالی مسجد گنبدی ساخته [...] و آن را دارالحفاظ می نامند [...] در مقابل این مدرسه اخلاصیه در حد جنوبی شارع عام خانقاهی ساخته شد [...] و گنبدی در آن خانقاه بنا شد» (علی شیر نوایی، ۱۳۲۳: مقدمه).

با انطباق این گزارش‌ها می‌توان به موقعیت قرارگیری ابنیه در درون مجموعهٔ اخلاصیه پی‌برد؛ به این ترتیب که، کوشک در شمال مجموعه قرار داشته و در روبه‌روی آن در سمت جنوبی، دارالحفاظ و در جنوب دارالحفاظ، مسجد واقع بوده است. دارالشفاء در جنوب مسجد احداث شده و در غرب دارالشفاء مدرسهٔ اخلاصیه قرار داشته است. همگی ابنیه ذکر شده در بالا در کناره شمالی نهر انجیل واقع بوده‌اند. در سمت مقابل آن‌ها در جنوب نهر، حمام در روبه‌روی دارالشفاء و خانقاه نیز در غرب حمام در روبه‌روی مدرسه احداث گردیده است؛ با این‌همه، مسأله جای‌نمایی کلیت مجموعه نسبت به خیابان هرات هنوز باقی است. نمی‌دانیم که ابنیهٔ مجموعه در میان خیابان، مشابه با مجموعه‌های حسین میرزا و فیروزشاه، تقسیم شده بودند و یا در یکی از کناره‌های شرقی یا غربی قرار داشته‌اند؟ باید توجه کرد که مجموعهٔ اخلاصیه بنا به گفتهٔ علیشیرنویسی بر جای باغ کهنی با نام «باغ مرغنی»، احداث شده است (همان: مقدمه). «سابتلنی» (Subtelny, 1991: 45-46) و آلن (Allen, 1983: 94)، هر دو جایگاه این مجموعه را در قسمت شرقی خیابان ذکر کرده‌اند؛ همین‌طور «صابر هروی» نیز این مجموعه را در شرق خیابان و در مقابل باغ آستانه جای‌نمایی کرده است (صابر هروی، ۱۳۸۶: ۷۴). پس می‌توان مجموعهٔ اخلاصیه را مجموعه‌ای شهری دانست که انتظام ابنیهٔ آن مستقل از خیابان، اما در کنار مسیر شرقی آن واقع بوده است. در این مجموعه، مدرسه و خانقاه مانند سایر مجموعه‌های عصر تیموری به صورت جفت اجرا شده و سایر ابنیه نیز نسبت به هم حالت قرینه داشته‌اند.

ادامهٔ گزارش خواندمیر بدین قرار است: «مدرسهٔ بدیعیه [...] حظیره بی‌بی محب: به زیور کاشی [...] آراسته است و یکی از نبایر حضرت [...] در آن مقام به درس می‌پردازد. [...] حظیره سلطان احمد چوگانچی: در برابر بقعهٔ مذکور واقع است و زیب و زینت تمام دارد» (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۹۵).

دو حظیرهٔ «بی‌بی محب» و «احمد چوگانچی» برخلاف برداشت تری آلن (Allen, 1986: 94)، در این گزارش در روبه‌روی هم آمده‌اند و هردوی آن‌ها دارای عمارت و تزئینات بوده‌اند. ادامهٔ گزارش این چنین است: «عمارت سر مزار [...] فخرالمله و الدین الرازی، مدرسهٔ چهارمنار [...] حظیره [...] فیروزه سلطان» (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۹۵). در گزارش دیگر که «عبدالله واعظ» از خیابان آورده در شمال مقبرهٔ فخررازی در میانهٔ خیابان به مقبره‌ای اشاره کرده است به نام «سیدمحمد اشرف» و گفته است: «مدفنش در خیابان محاذی مدرسهٔ ابوسعید میرزا است» (واعظ، ۱۳۸۶: ۸۶). در منابع تاریخی دیگر به غیر از واعظ، که هم‌عصر «ابوسعید تیموری» بوده، به مدرسه‌ای که او در خیابان ساخته، اشاره نشده است. گویا این بنا بعد از مرگ ابوسعید به سبب عداوتی که نوادگان گوهرشاد با ابوسعید داشتند، تخریب شده است. در شرح واعظ جایگاه دقیق مزار سید اشرف مشخص نیست؛ تنها سلجوقی حدودی از آن ارائه داده است: «چون از کوچه مزار امام رازی به طرف خیابان بگذری هنوز به مزار حسین واعظ کاشفی نرسیده [است]» (سلجوقی، ۱۳۸۶: ۳۰۸). از آنجایی که می‌دانیم مزار فخررازی در سمت غرب خیابان بوده (سلجوقی، ۱۳۴۳: ۶۶-۶۸؛ Allen, 1983: 94) می‌توان احتمال داد که مقبرهٔ

سید اشرف نیز بالاتر از آن در همین سمت قرار داشته و در روبه‌روی آن در شرق خیابان، مدرسه ابوسعید میرزا واقع بوده است. ادامه گزارش خواندمیر از این قرار است: «مدرسه امیر فرمان شیخ، مدرسه امیرچخماق شامی، خانقاه سبز سرخیابان [...] خانقاه سلطان خاتون [...] مدرسه و خانقاه امیر علاءالدین کوکلتاش [...] مسجد جامع منیجه منجمه [...] مدرسه حضرت مخدومی [عبدالرحمن جامی] عمارت مزار فایض الانوار [عبدالرحمن جامی] عمارت مزار شیخ بزگوار [...] خوابی [...] ایوان عیدگاه هرات» (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۹۸).

در این گزارش جایگاه دقیق ابنیه، از حظیره چوگانچی تا انتهای مسیر خیابان در عیدگاه هرات، به هیچ‌روی در دو سمت خیابان و نسبت به یکدیگر مشخص نیست. به وسیله هیچ‌یک از منابع تاریخی نیز نمی‌توان جایگاه نسبی هریک از آن‌ها را مشخص کرد. تنها می‌توان فرض نمود که بر اساس فرم جفت‌سازی مرسوم میان مدرسه و خانقاه، مدرسه و خانقاه امیرعلی که کوکلتاش نیز در انتهای مسیر خیابان به صورت قاش احداث شده باشند؛ اما در این فرضیه نمی‌توان با صراحت محل دقیق قرارگیری این دو بنا را تعیین نمود.

مقایسه و تحلیل ویژگی‌های جفت‌سازی در مجموعه‌های منطقه ماوراءالنهر با خیابان هرات


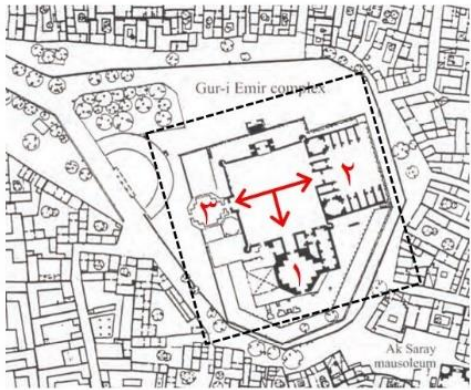

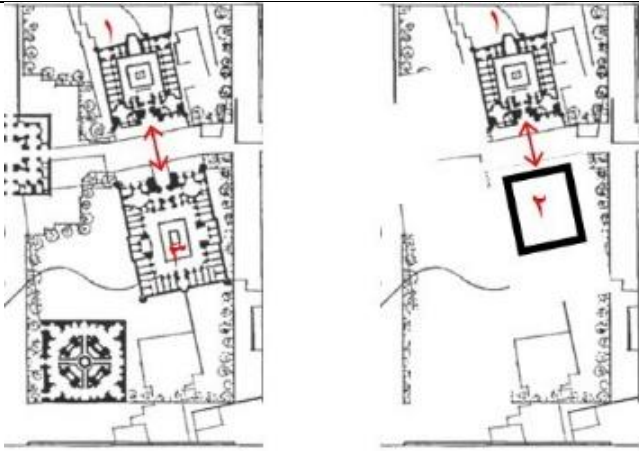
ویژگی‌های جفت‌سازی در مجموعه‌های ماوراءالنهر: معماری دوره تیموری در ماوراءالنهر که در آن‌ها ابنیه با شاخصه‌های قاش وجود دارند را می‌توان براساس نحوه استقرار ابنیه در حول یک محوطه، کاربری‌های ابنیه، شکل و گونه طراحی مجموعه و جایگاه استقرار آن‌ها نسبت به شهرها در دو دسته: «مجموعه‌های شهری» و «مجموعه محوره‌های مزاری» طبقه‌بندی نمود.

الف) ویژگی‌های مجموعه‌های شهری: این مجموعه‌های معماری به‌طور عمده در داخل شهرهای بزرگ ماوراءالنهر ساخته شده و جزئی از کلیت فضای شهری محسوب می‌شده‌اند و دارای ویژگی‌های پیش‌رو هستند: ۱. قرارگیری درون شهرها، ۲. کاربری خدماتی-مذهبی، ۳. وقف مجموعه و قرارگیری مقبره واقف در آن، ۴. استقرار بناها در حول یک محوطه چهارضلعی، ۵. استقرار بناها در دو تا چهار طرف محوطه، ۶. جفت‌سازی عمده میان دو گونه مدرسه و خانقاه.

از میان مجموعه‌های بررسی شده در ماوراءالنهر، این نمونه‌ها در دسته مجموعه‌های شهری قرار دارند: ۱. مجموعه دروازه فولاد، ۲. مجموعه ریگستان، ۳. مجموعه گورمیر، ۴. مجموعه مدرسه و حمام الغ بیگ (جدول ۱).

ب) ویژگی‌های مجموعه محوره‌های مزاری: این مجموعه‌ها در منطقه ماوراءالنهر به صورت یک گورستان، به گونه مستقل از بافت اصلی شهرها احداث شده‌اند و دارای ویژگی‌های پیش‌رو هستند: ۱. کاربری مذهبی-زیارتی، ۲. استقرار در خارج از شهر، ۳. استقرار ابنیه در دو طرف یک محور طولی، ۴. جفت‌سازی عمده میان دو بنای مقبره، ۵. کاربری‌های محدود به مقبره و بعضاً مسجد و عدم وجود کاربری‌های دیگر (گلمبک و ویلبر، ۱۳۷۴: ۳۱۰-۳۱۲).

جدول ۱. مجموعه‌های شهری در ماوراءالنهر (نگارندگان، ۱۳۹۸).

نام بنا و توضیحات	پلان مجموعه
<p>مجموعه دروازه فولاد؛ (۱) مسجد بی‌بی‌خانم، (۲) مدرسه، (۳) سرای ملک، (۴) دروازه فولاد، (Paskalevna,) دروازه بازار (2012)</p>	
<p>گور میر؛ (۱) مقبره، (۲) مدرسه، (۳) خانقاه (Bianca, 1996)</p>	
<p>مجموعه ریگستان؛ سمت راست: دوره تیموری، سمت چپ: دوره ازبکان. (۱) مدرسه الغیبیگ، (۲) کاروانسرای میرزایی، (۳) خانقاه الغیبیگ، (۴) مسجد کولکناش، (۵) مدرسه شیردار، (۶) مدرسه - طلاکاری (Hillenbrand,) (2004)</p>	
<p>مدرسه و حمام الغیبیگ در بخارا؛ سمت راست: دوره تیموری، سمت چپ: دوره ازبکان. (۱) مدرسه الغیبیگ (۲) حمام الغیبیگ، (۴) مدرسه عبدالعزیزخان (Al-) (Radi, 1995: 5)</p>	

درمیان مجموعه‌های ماوراءالنهر، این نمونه‌ها در دسته مجموعه محورهای مزاری قرار دارند: ۱. شاه‌زنده، ۲. دارالسیاده، ۳. پخت‌آباد، ۴. روح‌آباد (جدول ۲).

ویژگی‌های جفت‌سازی در مجموعه خیابان هرات: در محور خیابان هرات براساس اسناد تاریخی می‌توان قاش‌سازی میان پنج جفت از ابنیه دوره تیموری را متصور بود. به غیر از اخلاصیه، جفت‌سازی به ترتیب میان: ۱. مدرسه و خانقاه فیروزشاه، ۲. مدرسه گوهرشاد و درآیگاه حظیره سعد، ۳. مدرسه و خانقاه حسین بایقرا، ۴. حظیره بی‌بی‌محب و حظیره چوگانچی، ۵. مقبره سید اشرف و مدرسه ابوسعید، صورت گرفته است. این جفت‌سازی‌ها مانند سایر محورهای مزاری در عهد تیموری، به صورت متمرکز و برنامه‌ریزی شده در طول مسیر احداث نشده‌اند و بانیان در هر مکانی که فضای مناسب برای احداث دو بنا در مقابل همدیگر داشتند از این شیوه بهره گرفته‌اند؛ از طرفی دیگر، بعضی از ابنیه تازه‌ساخت در مقابل حظیره‌ها نیز، اصل جفت‌سازی را رعایت کرده و حتی برای نیل به این مقصود از بازسازی نمای بنای کهن‌تر ابایی نداشته‌اند.

مجموعه خیابان هرات را به طور کلی می‌توان در دسته مجموعه محورهای مزاری دوره تیموری طبقه‌بندی کرد. از این نظر، خیابان هرات شباهت‌هایی با ویژگی‌های محورهای مزاری ماوراءالنهر دارد؛ از جمله: ۱. قرارگیری در خارج از شهر، ۲. جفت‌سازی ابنیه در طول محور، ۴. جفت‌سازی میان دو بنای مقبره.

از طرفی دیگر، محور خیابان هرات تفاوت‌هایی نیز با مجموعه محورهای مزاری ماوراءالنهر دارد که عبارتند از: ۱. کاربری خدماتی-مذهبی، ۲. وجود مجموعه‌های مستقل در طول محور، ۳. وجود ابنیه با کاربری غیر از مقبره در طول مسیر، ۴. قاش‌سازی میان ابنیه مختلف، مانند: مدرسه-خانقاه و مدرسه-مقبره.

مجموعه‌های شهری در دل مجموعه خیابان هرات: در طول مسیر خیابان به غیر از بنای مقابر، ابنیه دیگری مانند: مدرسه، خانقاه، حمام و بیمارستان نیز دیده می‌شود. این ابنیه در بستر مجموعه‌هایی قرار داشتند که در طول محور خیابان احداث شده بودند. در ساخت این مجموعه‌ها توجه به اصل محوریت خیابان مورد نظر بوده، به صورتی که دو مجموعه فیروزشاه و حسین‌میرزا به جای این که در حول یک محوطه بسته شهری قرار گیرند، ابنیه‌شان را در دوسوی محور خیابان مستقر ساخته‌اند. دو مجموعه گوهرشاد و اخلاصیه نیز در کناره خیابان واقع شده‌اند و از لحاظ دسترسی و مشارکت منظری از ابنیه خیابان هرات محسوب می‌شوند. تمامی این چهار مجموعه که از نظر کاربری مشابه مجموعه‌های شهری ماوراءالنهر هستند، به صورت وقفی احداث شده‌اند و به غیر از مجموعه اخلاصیه، در سه مجموعه دیگر، گور بانی در زیر گنبدخانه مدرسه قرار گرفته است.

مجموعه‌های داخل خیابان هرات را می‌توان به طور کلی در دسته مجموعه‌های شهری قرار داد. از این نظر، این مجموعه‌ها دارای مشابهت‌هایی با مجموعه‌های شهری ماوراءالنهر هستند؛ از جمله: ۱. کاربری خدماتی-مذهبی، ۲. قاش‌سازی میان دو بنای مدرسه و خانقاه، ۳. وقفی بودن مجموعه و قرارگیری مقبره واقف در مجموعه. از طرفی دیگر، مجموعه‌های خیابان هرات تفاوت‌هایی نیز با مجموعه‌های شهری ماوراءالنهر دارند که عبارتند از: ۱. قرارگیری در خارج از شهر، ۲. جفت‌سازی در طول یک

جدول ۲. مجموعه محورهای مزاری در ماوراءالنهر (نگارندگان، ۱۳۹۸).

نام بنا و توضیحات تصویر	پلان مجموعه
<p>مجموعه دارالسیاده و دارالتلاوه؛ (۱) مقبره دارالسیاده، (۲) جایگاه مقابر اشراف، (۳) جایگاه مقابر اشراف (Masson & Pugachenkova, 1981)</p>	
<p>گورستان پخت‌آباد؛ (۱) مقبره پادشاه پیران، (۲) مقابر در دو سوی راه، (۳) بنای ورودی مجموعه (گلمبک و ویلبر، ۱۳۷۴: ۹۴۲)</p>	
<p>مجموعه شاه‌زنده؛ (۱) آرامگاه امیرزاده، (۲) آرامگاه شادی‌ملک، (۳) آرامگاه امیرحسین، (۴) آرامگاه شیرین‌آغا، (۵) مجموعه گور قثم ابن عباس (Baskan, 2007)</p>	
<p>مجموعه روح‌آباد، (۱) مقبره روح‌آباد، (۲) مکان مقبره قطب چهاردهم (Bianca, 1996)</p>	

جدول ۳. شماره‌گذاری ابنیه خیابان هرات و منابعی که در جای‌نمایی ابنیه در تصویر ۱ مورد استفاده قرار داشته است (نگارندگان، ۱۳۹۸).

نام و شماره بنا	منابع مورد استفاده در جای‌نمایی ابنیه
۱- خیابان هرات	(Allen, 1983: 94)
۲- دروازه ملک	(Allen, 1983: 94)
۳- دیوار شهر هرات	(Allen, 1983: 94)
۴- کهن‌دژ مصرخ	(Allen, 1983: 94; ۱۳۷۲: ۱۹۴)
۵- جوی انجیل	(Allen, 1983: 94)
۶- گذر جوی انجیل	(Allen, 1983: 94)
۷- جوی نو	(Allen, 1983: 94)
۸- عیدگاه هرات	(Allen, 1983: 94)
۹- گذر جوی نو	(Allen, 1983: 94)
۱۰- مدرسه فیروزشاه	(خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۹۴؛ Allen, 1983: 19؛ سلجوقی، ۱۳۸۶: ۴۸۶)
۱۱- خانقاه فیروزشاه	(خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۹۴؛ Allen, 1983: 19؛ سلجوقی، ۱۳۸۶: ۴۸۶)
۱۲- حمام فیروزشاه	(خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۶۸)
۱۳- مسجد گوهرشاد	(خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۶۷؛ گلمبک و ویلبر، ۱۳۷۴: ۴۱۷؛ سلجوقی، ۱۳۴۳: ۷؛ Allen, 1983: 18)
۱۴- مدرسه گوهرشاد	(خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۶۷؛ گلمبک و ویلبر، ۱۳۷۴: ۴۱۷؛ سلجوقی، ۱۳۴۳: ۷؛ Allen, 1983: 18)
۱۵- حظیره سعد	(Allen, 1983: 94؛ ۴۸؛ ۱۳۸۶)
۱۶- کاروانسرای میرزا	(خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۷۵)
۱۷- مدرسه میرزا	(خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۹۵؛ واصفی هروی، ۱۳۴۹: ۲۴۹-۲۵۰؛ Allen, 1983: 26)
۱۸- خانقاه میرزا	(خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۹۵؛ واصفی هروی، ۱۳۴۹: ۲۴۹-۲۵۰؛ Allen, 1983: 26)
۱۹- حمام میرزا	(خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۷۵)
۲۰- مجموعه اخلاصیه	(خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۹۵؛ خواندمیر، ۱۳۸۸: ۶۳-۹۶؛ شیرنوازی، ۱۳۲۳: مقدمه؛ Subtelny, Allen, 1983: 94; 1991: 45)
۲۱- دارالحفاظ	(خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۹۵؛ خواندمیر، ۱۳۸۸: ۶۳-۹۶؛ شیرنوازی، ۱۳۲۳: مقدمه)
۲۲- مسجد قدسیه	(خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۹۵؛ خواندمیر، ۱۳۸۸: ۶۳-۹۶؛ شیرنوازی، ۱۳۲۳: مقدمه)
۲۳- شفائیه	(خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۹۵؛ خواندمیر، ۱۳۸۸: ۶۳-۹۶؛ شیرنوازی، ۱۳۲۳: مقدمه)
۲۴- مدرسه اخلاصیه	(خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۹۵؛ خواندمیر، ۱۳۸۸: ۶۳-۹۶؛ شیرنوازی، ۱۳۲۳: مقدمه)
۲۵- حمام اخلاصیه	(خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۹۵؛ خواندمیر، ۱۳۸۸: ۶۳-۹۶؛ شیرنوازی، ۱۳۲۳: مقدمه)
۲۶- خانقاه اخلاصیه	(خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۹۵؛ خواندمیر، ۱۳۸۸: ۶۳-۹۶؛ شیرنوازی، ۱۳۲۳: مقدمه)
۲۷- حظیره بی‌بی‌محب	(خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۹۵)
۲۸- حظیره چوگانچی	(خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۹۵)
۲۹- مقبره سید اشرف	(واعظ، ۱۳۸۶: ۸۶؛ سلجوقی، ۱۳۸۶: ۳۰۸)
۳۰- مدرسه ابوسعید	(واعظ، ۱۳۸۶: ۸۶)

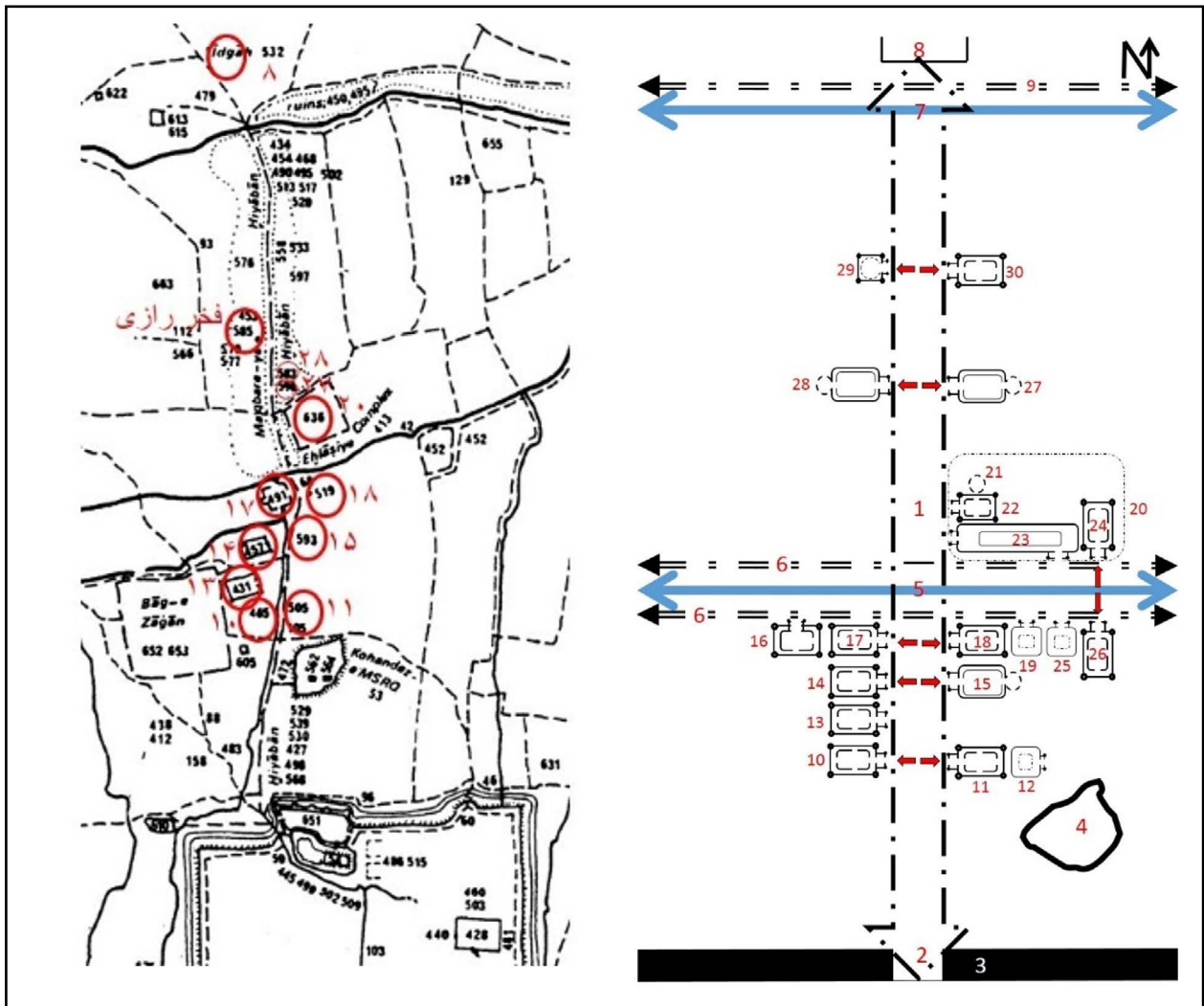
جدول ۴. مقایسه مجموعه محوره‌های مزاری و مجموعه‌های شهری در ماوراءالنهر و خیابان هرات (نگارندگان، ۱۳۹۸).

مجموعه‌ها	ویژگی‌ها	قرار گیری در داخل	قرار گیری در خارج از	خانقاه و جفت‌سازی	میان دو جفت‌سازی	دو بنای جفت‌سازی	ابنیه داخل مجموعه	نحوه استقرار
مجموعه‌های شهری	ریگستان سمرقند	*		*			مدرسه، خانقاه، کاروانسرا، مسجد	میدانی
	مجموعه دروازه فولاد سمرقند	*				*	مسجد، مدرسه، دروازه شهر، دروازه بازار	میدانی
	مدرسه و حمام الغبیگ	*				*	مدرسه، حمام	میدانی
	اخلاصیه		*	*		*	مدرسه، خانقاه، مسجد دارالشفاء، دارالحفاظ	میدانی و محوری
	مجموعه حسین میرزا در خیابان		*	*	*		مدرسه، خانقاه، حمام، کاروانسرا	محوری
	مجموعه فیروزشاه در خیابان		*	*	*		مدرسه، خانقاه، حمام	محوری
	مجموعه گوهرشاد در خیابان		*	*			مسجد، مدرسه	محوری
مجموعه-محورهای مزاری	شاه‌زنده		*		*		مقبره، مسجد	محوری
	دارالسیاده و داراتلاوه	*			*		مقبره، مسجد	محوری
	پخت‌آباد		*		*		مقبره	محوری
	روح‌آباد	*			*		مقبره	محوری
	خیابان هرات		*	*	*	*	مقبره، مدرسه، خانقاه، حمام، مسجد، دارالشفاء، لنگر، باغ، رباط، کاروانسرا	محوری

محور به جای استقرار در حول یک محوطه، ۳. دارا بودن کاربری‌های متنوع، مانند: بیمارستان و حمام (تصاویر ۱ و ۲).

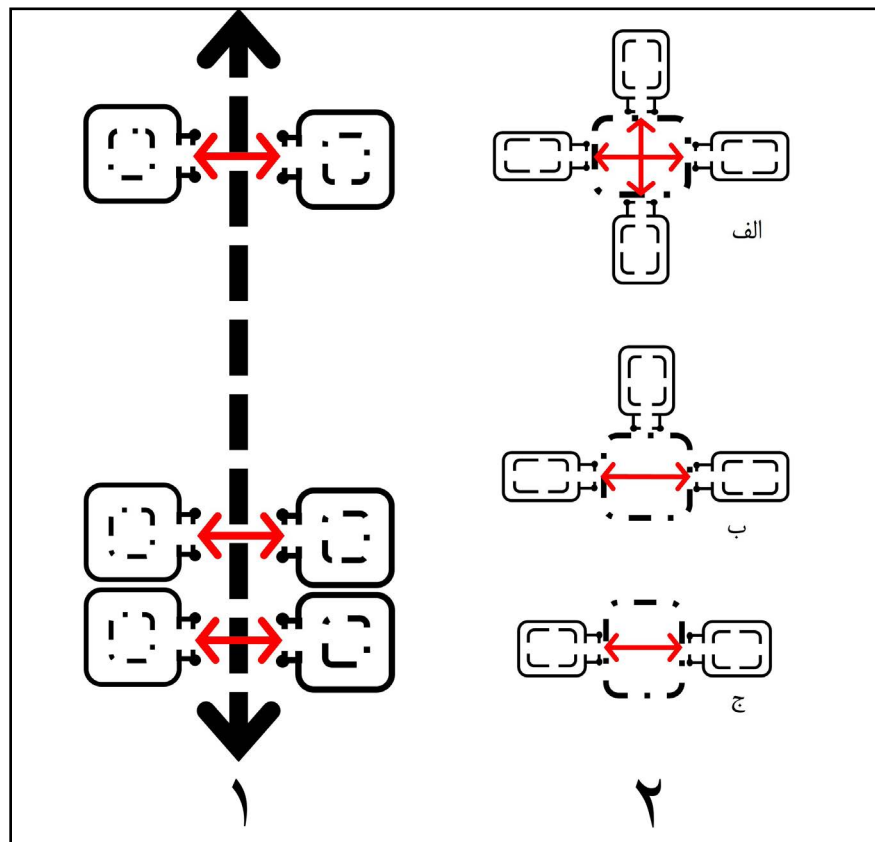
نتیجه‌گیری

قرینه‌سازی نمای ورودی ابنیه در برابر هم در معماری تیموری به‌عنوان یک اصل زیبایی‌شناسی در طراحی بدنه شهری و مجموعه‌سازی محسوب می‌شده که معماران این دوره، آن را «قاش» می‌نامیده‌اند. قاش‌سازی یا جفت‌سازی در معماری تیموری در دو دسته متفاوت از مجموعه‌های معماری احداث می‌شده است؛ دسته اول، مجموعه‌های خدمت‌مندی- مذهبی بوده که در دل شهرها قرار داشتند؛ و دسته دوم، مجموعه محوره‌های مزاری یا گورستان‌هایی که در دوطرف یک مسیر، عمدتاً در خارج از شهر، تشکیل می‌یافته‌اند. در دسته اول، مجموعه‌های معماری به‌صورت استقرار حداقل دو تا چهار بنا در یک محوطه احداث می‌شدند. این محوطه‌ها در مجموعه‌های شهری ماوراءالنهر



به صورت چهارضلعی بوده که ابنیه در دو، سه یا چهار طرف آن مستقر می‌شده است. رایج‌ترین فرم جفت‌سازی در میان مجموعه‌های شهری این دوره، جفت‌سازی میان دو بنای مدرسه و خانقاه است. در مقایسه با مجموعه‌های شهری، مجموعه محوره‌های مزاری با کاربری زیارتی-مذهبی، در امتداد مسیری قرار داشتند که تا پیش از آن، محل گورهای کهن‌تر بوده است. به همین دلیل نیز در امتداد محوره‌های مزاری، معماران کمتر فضای مشخصی برای جفت‌سازی در اختیار داشتند و جفت‌سازی‌ها در این محورها اغلب بدون پی‌رنگ و به صورت غیرمتمرکز و پراکنده انجام شده است. علاوه بر این‌ها در این مجموعه محوره‌های مزاری، کاربری‌ها به صورت مقبره هستند و جفت‌سازی‌ها نیز تنها میان دو مقبره دیده می‌شود. محور خیابان هرات در مقایسه با مجموعه‌های شهری و با این‌که محور خیابان مانند سایر محوره‌های مزاری در امتداد یک گورستان تاریخی به صورت تدریجی احداث شده، اما در دل خود چند مجموعه شهری را جای داده است. مجموعه‌های شهری در امتداد خیابان هرات برخلاف مجموعه‌های شهری در ماوراءالنهر

▲ تصویر ۱. سمت چپ: ترسیم و جای‌نمایی ابنیه جفت‌سازی شده خیابان هرات توسط آلن تری (Allen, 1983: 94)؛ سمت راست: جای‌نمایی ابنیه‌های جفت‌سازی شده و مجموعه‌های خیابان هرات براساس اسناد (نگارندگان، ۱۳۹۸). توضیح: شماره‌گذاری‌های دو تصویر و ذکر منابع جای‌نمایی‌ها در تصویر سمت راست، در جدول ۳ ذکر شده است.



► تصویر ۲. الگوهای جفت‌سازی ابنیه در دوره تیموری؛ (۱) الگوی محوری در مجموعه‌های مزاری، (۲) الگوهای میدانی در مجموعه‌های شهری (نگارندگان، ۱۳۹۸).

در اطراف یک محوطه چهارضلعی قرار نگرفته‌اند؛ بلکه در دو سمت محور خیابان طراحی شده‌اند. در این مجموعه‌سازی‌ها معمولاً دو بنای مدرسه و خانقاه در دو سمت خیابان، روبه‌روی هم احداث شده و سایر ابنیه مجموعه در اطراف این دو بنا مستقر شده‌اند. دو مجموعه سلطان حسین میرزا و فیروزشاه به این ترتیب احداث گردیده‌اند. در امتداد محور خیابان هرات، به دلیل وجود این مجموعه‌ها، کاربری‌های خدماتی چون: حمام، مدرسه، کاروانسرا و خانقاه را علاوه بر کاربری‌های مزاری می‌توان مشاهده کرد. همین امر تفاوت بسیار زیادی میان خیابان هرات و محورهای مزاری ماوراءالنهر ایجاد کرده است. می‌بایست اشاره نمود که در مجموع، خیابان هرات برپایه فرم اصلی مجموعه‌های مزاری در ماوراءالنهر شکل گرفته، اما به تدریج در طول دوران تطورش تبدیل به یک محور جامع شهری گردیده و در آن، مجموعه‌های خدماتی-مذهبی نیز مانند مجموعه‌های شهری ماوراءالنهر احداث شده‌اند؛ همین دو ویژگی سبب می‌شود که مجموعه خیابان هرات را بتوان جامع‌ترین مجموعه معماری در طول دوره تیموری تصور کرد.

کتابنامه

- انصاری هروی، خواجه عبدالله، ۱۳۸۶، طبقات الصوفیه. تصحیح: محمد سرور مولایی، تهران: نشر توس.
- پوگانچنکووا، گالینا، ۱۳۸۷، شاهکارهای معماری آسیای میانه. ترجمه داود طبایی، تهران: فرهنگستان هنر.

- حافظ ابرو، شهاب‌الدین خوافی، ۱۹۵۸، پنج رساله تاریخی درباره حوادث دوران امیر تیمور گورکان از مؤلفات. تصحیح: فلکس تاور، پراگ: فرهنگستان علوم چکسلواکی.
- حافظ ابرو، شهاب‌الدین خوافی، ۱۳۴۹، جغرافیای حافظ ابرو قسمت ربع خراسان هرات. تصحیح: نجیب مایل هروی، تهران: انتشارات بیناد فرهنگ ایران.
- حافظ ابرو، شهاب‌الدین خوافی، ۱۳۹۵، زبدة التواریخ. تصحیح: سید کمال حاج سیدجوادی، جلد چهارم، تهران: نشر اساطیر.
- خواندمیر، غیاث‌الدین، ۱۳۷۲، مآثر الملوک: به ضمیمه خاتمه خلاصه الاخبار و قانون همایونی. تصحیح: میرهاشم محدث، تهران: مؤسسه فرهنگی رسا.
- خواندمیر، غیاث‌الدین، ۱۳۸۸، مکارم الاخلاق. تصحیح: محمد عشیق، تهران: میراث مکتوب.
- خوافی، فصیحی، ۱۳۸۶، مجمل فصیحی. تصحیح: محسن ناجی نصرآبادی، جلد سوم، تهران: انتشارات اساطیر.
- زمچی اسفزاری، معین‌الدین، ۱۳۳۸، روضات الجنات فی اوصاف مدینه الهرات. تصحیح: کاظم امام، جلد اول، تهران: دانشگاه تهران.
- سلجوقی، فکری، ۱۳۴۳، خیابان. کابل: انجمن جامی.
- سلجوقی، فکری، ۱۳۸۶، رساله مزارات هرات. هرات: انتشارات احراری.
- سمرقندی، ابوطاهر، ۱۳۶۷، قندیه و سمریه. تصحیح: ایرج افشار، تهران: مؤسسه فرهنگی جهانگیری.
- سمرقندی، کمال‌الدین عبدالرزاق، ۱۳۷۲، مجمع‌البحرین و مطلع‌السعدین. تصحیح: عبدالحسین نوایی، جلد دوم، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- سمرقندی، ملیحای، ۱۳۹۰، مذکر الاصحاب. تصحیح: محمد تقوی، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد رسمی مجلس شورای اسلامی.
- صابر هروی، محمد محسن، ۱۳۸۶، باغ‌نامه هرات. مشهد: ملک اعظم.
- طبیبی، عبدالحکیم، ۱۳۶۸، تاریخ مختصر هرات. تهران: نشر هیرمند.
- علیشیرنوایی، میرنظام‌الدین، ۱۳۲۳، مجالس النفائس. تصحیح: علی اصغر حکمت، تهران: نشر بانک ملی ایران.
- گلبمک، لیزا؛ و ویلبر، دونالد، ۱۳۷۴، معماری تیموری در ایران و توران. ترجمه کرامت‌الله افسر و یوسف کیانی، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- میرخواند، محمد بن خاوندشاه، ۱۳۸۵، تاریخ روضه الصفا فی سیره الانبیا و الملوک و الخلفا. تصحیح جمشید کیان‌فر، جلد هفتم، تهران: نشر اساطیر.
- واعظ، اصیل‌الدین عبدالله، ۱۳۸۶، مقصد الاقبال سلطانیه و مرصد الامال الخاقانیه. تصحیح: نجیب مایل هروی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- واصفی هروی، زین‌الدین محمود، ۱۳۴۹، بدایع الوقایع. تصحیح: الکساندر بلدروف، جلد دوم، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- هادی‌زاده، رسول، ۱۳۸۱، سمرقندنامه. دوشنبه: رایزنی فرهنگی سفارت ج.ا.ا. در تاجیکستان.

- هروی، سیف ابن محمد بن یعقوب، ۱۳۸۵، تاریخ‌نامه هرات. تصحیح: غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: انتشارات اساطیر.
 - هیلن براند، رابرت، ۱۳۸۷، «جنبه‌های معماری تیموری در آسیای میانه». ترجمه داود طباطبایی، گلستان هنر، شماره ۱۴، صص: ۶۵-۸۲.
 - یزدی، شرف‌الدین علی، ۱۳۸۷، ظفرنامه. تصحیح: سعید میرمحمد صادق و عبدالحسین نوایی، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس.

- Allen, T., 1983, *Timurid Herat*. Tubinger: Tubinger Atlas.
- Al-Radi, S., 1995, *Restoration of Bukhara Old City Bukhara*. Uzbekistan: The Aga Khan trust for culture
- Baskan, S., 2007, "Archaeological And architectural detection about the samarkand shah-izinda.Internatioanl". *Conference Islamic Civilization in Central Asia*, Astana, Pp: 33-65.
- Bianca, S., 1996, *Historic Cities Support Programme*. The Aga Khan trust for culture.
- Golombek, L., 1969, *The Timurid shrine at Gazurgah*. Toronto: University of Toronto press.
- Golombek, L., 1983, "The resilience of the Friday mosque". *Muqarnas*, No. 1, Pp: 95-102.
- Hillenbrand, R., 2004, "The Timurid Achievment in Architecture". In: *A survey of Persian Art from prehistoric times to the present*, (Abbas Daneshvari): Mazda, Pp: 83-124
- Masson, M. E. & Pugachenkova, G. A., 1980, "Shakhri syabz pri Timure I Ulug Beke2". *Iran*, No. 18, Pp: 121-143.
- Paskalevna, E., 2012, "The Bibi khanum mosque in Samarqand:its mongol and Timurid Architecture". *Silk Road*, No. 10, Pp: 81-98
- Somarkandie Dokymentrit, 1974, Mockba: Nayka.
- Subtelny, M., 1991, "A timurid educational and charitable foundation: the ikhlasiyya complex of ali shir navai in 15th-century herat and its endowment". *Journal of the Aerican Society*, No. 3, 1, Pp: 38-61